فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ٦٤-٥٣
New Period 4, No 32, 2021, P 53-64
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸)
ISSN (2476-7018)

بررسی زندگی و اندیشه‌های ریچارد هوگارت

فاطمه یمینی
دانشجوی دکترای رشته جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، ایران
yaminizohreh@yahoo.com

چکیده

رشته مطالعات فرهنگی مدیون مؤسس مرکز مطالعات فرهنگی معاصر یعنی ریچارد هوگارت است. او در تقابل با اندیشه مکتب فرانکفورت، در مکتب بیرمنگام فرهنگ عامه را به عنوان یک موضوع، مورد بررسی قرار می‌داد و مخالف بی ارزش جلوه دادن فرهنگ عامه، خصوصاً فرهنگ طبقه کارگر نبود. هوگارت همواره بر آموزش حساسیت و آگاهی انتقادی در برابر اغواگری‌های دخل و تصرف کنندگان در ارتباطات توده ای تأکید داشت و هدف آموزش را«رشد تخیلی مسئول و پاسخگو» می‌دید. او در آثار خود به موضوعاتی مثل فرهنگ عامه، رسانه‌های همگانی، ادبیات، فرهنگ طبقه کارگر و بسیاری از موضوعات دیگر پرداخته است و آثار وی رنگ تجربه‌های زندگی اش را دارد مانند اثر «کاربردهای سواد» که به تفسیر زندگی طبقه کارگر و فرهنگ آنان در بستر تاریخی می‌پردازد و رشد فزاینده افراد باسواد و ثروتمند در انگلستان در دهه ۱۹۳۰ را علت فقدان احساس تعلق به گذشته می‌داند. از نظر او، رسانه‌های چاپی جدید به فرهنگ طبقه کارگرصدمه وارد کرده است. فرهنگ طبقه کارگر باید تمجید می‌شد نه فرهنگ اقلیت تیزهوش. همچنین هوگارت، ضعف سواد در افراد جامعه را متأثر از نشریات و داستان‌های عامه پسند می داند. به نظر هوگارت، فرهنگ برآمده از رسانه های جمعی، فرهنگ توده وار است که سیراب کننده روح نیست بلکه تجارت زده و انتزاعی است. هوگارت، دغدغه بین فرد و جامعه را داشت وآثار هنری را فقط تقویت کننده تخیل انسان‌ها می‌دانست. به اعتقاد وی، اهمیت هنر در عامل تمدن سازی برای فرد و جامعه است. او فرهنگ توده را به تمامی محکوم نمی کند و به فرهنگ توده مانند فرهنگ ترکیبی یا تدارک دیده می نگرد.

واژه‌های کلیدی: هوگارت، آموزش، آگاهی انتقادی، رسانه ها، فرهنگ عامه.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

مقدمه:

ریچارد هوگارت، بنیانگذار مطالعات فرهنگی بریتانیا در دوران پس از جنگ جهانی دوم است. او به عنوان مؤسس مرکز مطالعات فرهنگی معاصر، پایه گذار اندیشه ای جدید بود و توانست شرایط را برای شکل گیری مکتب بیرمنگام فراهم کند. برای اولین بار موضوع فرهنگ عامه را به گونه ای متفاوت مطرح و از آن دفاع کرد. پیش از او «فرهنگ عامه»، جهت اشاره به آثار نازل تر یا آثاری که آگاهانه و عامدانه برای جلب توجه عامه مردم تولید می شدند، تلقی می‌شد ولی پس ازمطرح شدن اندیشه هوگارت، «فرهنگ عامه» معنای خنثی تری یافت. به آثاری اطلاق شد که مردم دوستشان دارند و با علاقه بسیار از آن‌ها استفاده می‌کنند. فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم، آن بار معنایی منفی خود را از دست داد و پذیرفته شد. از آن به بعد، این واژه جهت اشاره به آنچه به لحاظ اقتصادی کارآمد و فارغ از سلطه نخبه گرایی است، فرهنگی آزاد محسوب می‌شود. هوگارت، از روشنفکران طبقه کارگر جامعه بود و خود را منتقد نخبگان فرهنگی معرفی می‌کرد و چون تجربه زیسته تولد و زندگی در میان طبقه کارگر را داشت، نقش بسیار مهمی در بازتعریف فرهنگ طبقه کارگرداشت. از سوی دیگر، به جهت تدریس ادبیات درکلاس‌های آموزش بزرگسالان، به نظریه پردازی مهم در حوزه آموزش هنر، ادبیات و رسانه‌ها تبدیل شد به طوری که مهم ترین کتابش به نام«کاربردهای سواد»، مورد بحث و بررسی بسیاری از اندیشمندان مطرح دنیا قرارگرفته است. در واقع به اثری زمان شمول تبدیل شده است که تاریخ انقضاء ندارد و تا قرن ۲۱ ام هنوز هم مورد توجه اندیشمندان و نظریه پردازان رشته مطالعات فرهنگی است. از هوگارت، نزدیک به ۲۵ اثر منتشر شده است که هیچ یک از آن ها به زبان فارسی ترجمه نشده اند و هر یک از آن ها به نوبه خود، از محتوای غنی برخوردارند.

پیشینه:

منابع داخلی:

در مورد ریچارد هوگارت منابع داخلی چندانی اعم از پایان نامه و مقاله علمی- پژوهشی در دسترس نیست و از بین منابع داخلی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهدی زاده در مقاله"ریچارد هوگارت: فرهنگ توده وار"، می‌نویسد: هوگارت، کارکرد رسانه‌های جمعی را دخل و تصرف در فرهنگ اصیل و رواج فرهنگی مصنوعی، بی رنگ و رو و پیش پا افتاده می‌داند. فرهنگ برآمده از رسانه‌های جمعی، فرهنگ توده وار است که سیراب کننده ی روح نیست، بلکه تجارت زده و انتزاعی است. اغلب سرگرمی‌هایی که رسانه‌ها برای توده ی مردم تدارک می‌بینند، «ضد زندگی»، پر از زرق و برق، دارای جاذبه‌های سوء و فاقد مسئولیت های اخلاقی هستند. سرگرمی‌ها مبلّغ این نظرند که پیشرفت یعنی به دنبال مالکیت های مادی رفتن، برابری یعنی یکسان بودن ارزش‌های اخلاقی و آزادی یعنی زمینه ای برای ارزش‌های بی قید و بی پایان. همچنین، هوگارت در کتاب کاربردهای سواد، رشد فزاینده ی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

افراد باسواد و ثروتمند در انگلستان در دهه ی ۱۹۳۰ را علت فقدان احساس تعلق به گذشته می‌داند (مهدی زاده: ۱۳۹۲).

رضایی در کتاب "مطالعات فرهنگی، دیدگاه ها و مناقشات "، ریچارد هوگارت را از چهره های مطرح و پیشرو در رشتهٔ«مطالعات فرهنگی» می‌نامد که در آثار خود به موضوعاتی مثل فرهنگ عامه، رسانه‌های همگانی، ادبیات، فرهنگ طبقه کارگر، و بسیاری دیگر از موضوعات پرداخته است. بسیاری از آثار او مانند «زندگی‌نامه‌های خودنوشت» تجربه‌های شخصی او را در زندگی بیان می‌کند. چون او در یک خانواده متعلق به طبقه کارگر متولد شده و بالیده بود همواره از تجربه‌های خود در آثارش استفاده می‌کرد. به همین دلیل، آثار وی رنگ تجربه‌های زندگی‌اش را دارد. او وجوه مختلف این تجربه را به شکل‌های متنوع در آثارش بررسی کرده است. نزدیک به ۲۵ اثر از او منتشر شده است که توانسته بخشی از آثار او را به همراه محتوای آن‌ها معرفی کند. همچنین به تمایز مکتب فرانکفورت و مکتب بیرمنگام می‌پردازد به طوری که اولی نگاه از بالا به پایین دارد ولی دومی نگاهی به فرهنگ عامیانه و غیر نخبه گرا دارد (رضایی، ۱۳۸۶).

بهروش در مقاله " آشنایی با زندگینامه و آراء ریچارد هوگارت "، معتقد است هوگارت با نگارش کتاب معروف کاربردهای سواد (۱۹۵۷) و بر عهده گرفتن مدیریت مرکز مطالعات فرهنگی معاصر بیرمنگام در نخستین سال‌های تأسیس این مرکز نقش مهمی در این زمینه ایفا کرد.

هوگارت در خانواده‌ای از طبقه کارگر در لیدز به‌دنیا آمد و پس از گذراندن خدمت سربازی در جبهه جنگ به تدریس ادبیات انگلیسی در کلاس‌های آموزش بزرگسالان در دانشگاه هال مشغول شد.

برخی بر این باورند که این تجربه نه تنها برای موقعیت شغلی و دانشگاهی هوگارت، بلکه برای بسط و گسترش مطالعات فرهنگی به معنای دقیق کلمه، تجربه‌ای حیاتی بود. برخی از نخستین نمایندگان اصلی مطالعات فرهنگی (از جمله ریموند ویلیامز) در ابتدا در کلاس‌های آموزش بزرگسالان تدریس می‌کردند و عملاً با کسانی که به دلایل اقتصادی یا مسائل دیگر نمی‌توانستند به نهادهای آموزشی رسمی‌تر راه یابند در تماس بودند. بنابراین مطالعات فرهنگی تا حدی بر اثر تلاش این افراد برای برقراری پیوندی میان نقد ادبی (و علوم اجتماعی و سیاسی) و کسانی که آن سوی مخاطبان عادی دانشگاهی قرار داشتند، به وجود آمد. کاربردهای سواد که نوعی گردآوری اسناد [و مصداق‌های] فرهنگ طبقه کارگر پیش از جنگ و تحلیل آنهاست، چنین خوانندگانی را مخاطب قرار می‌دهد.

هوگارت فنون مطالعات ادبی را وارد این فرهنگ می‌کند اما وی آنها را [عمدتاً] در مورد محصولات و مصنوعات فرهنگی (نظیر روزنامه‌ها، مجلات، موسیقی و ادبیات عامه‌پسند) به کار می‌بندد. به باور بهروش، کاربردهای سواد [اعتبار زیادی برای هوگارت به ارمغان آورد] و او را عملاً به مرجع عمومی در زمینه فرهنگ عامه و رسانه‌ها تبدیل کرد (از جمله می‌توان به حضور او در محاکمه ناشران رمان معشوق خانم چترلی برای دفاع از متهمین اشاره کرد (بهروش، ۱۳۸۷).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

منابع خارجی:

مقاله سیمکین (**Simkin**) با عنوان "ریچارد هوگارت"، هوگارت، راه را برای توزیع قانونی رمان‌هایی که قبلاً ناپسند تلقی شده بودند، باز کرد. به عنوان مثال، در طی یک سال از انتشار رمان "عاشق لیدی چترلی"، بیش از ۲ میلیون نسخه فروخته شد. هوگارت، پس از آن به دانشگاه بیرمنگام منتقل می‌شود و سپس در سال ۱۹۶۴ مرکز مطالعات فرهنگی معاصر را تأسیس می‌کند. همان طور که گاردین خاطر نشان کرد:"پایه های مطالعات فرهنگی اصرار بر جدی گرفتن اشکال فرهنگی محبوب و پایین جامعه و ردیابی رشته‌های درهم تنیده فرهنگ و سیاست است (سیمکین، ۲۰۱۴).

مقاله مک گرات (**McGrath**) تحت عنوان " میراث ریچارد هوگارت و کاربردهای جدید سواد"به کاربردهای جدید سواد اشاره می کند. هوگارت از اولین دانشگاهیان طبقه کارگر بود که زندگی طبقه کارگر را در تحقیقات خود محور قرار داد و غیر منتظره ترین مورد برای یک منتقد ادبی (هوگارت) تأثیر او بر دانشمندان و نویسندگان ادبیات برابر بود. هوگارت در نیمه اول "کتاب کاربردهای سواد" جزئیات دقیق و غم انگیزی راجع به زندگی روزمره طبقه کارگر نوشته ودر نیمه دوم کتاب، در مورد رابطه طبقه کارگران با رسانه، فرهنگ و ادبیات بحث می‌کند. هوگارت انتقاد می کندکه چگونه طبقه های کارگر در ارزان ترین سرگرمی‌ها، در داستان‌های مجله احساساتی می‌شوند و با واقعیت‌های عاطفی و اقتصادی وجود طبقه کارگر درگیر می‌شوند. بنابراین نتوانست برای اکثر مردم یا حتی با اکثریت مردم صحبت کند. وی همچنین به روزنامه‌های ممتاز به دلیل ریزه خواری بیش از حد در برابر خوانندگان حمله کرده و تأکید می‌کندکه بیشتر اینگونه نشریات به طور فزاینده ای تحت کنترل بزرگان نشر عظیم قرار می‌گیرند.

هوگارت در کاربرهای سواد، جنبه های زندگی طبقه کارگر را با اشاره ویژه به نشریات و سرگرمی‌ها، مجدداً بازنویسی کرد. به باور هوگارت، در"کاربردهای جدید سواد" به عنوان یک مربی در مطالعات فرهنگی، برخی از اصلی ترین و موفق ترین کارهایی که در دانش آموزان دیده است پاسخ مستقیم به "کاربردهای سواد" بوده است. به طور خلاصه، کاربرد سواد، گرچه هنوز هم طنین انداز است، اما از بسیاری جهات در قرن ۲۱ نیز قدمت دارد (مک گرات، ۲۰۱۴).

مقاله گروسبرگ (**Grossberg**) تحت عنوان "یک سرمقاله خاص"، هم سردبیری تد استریپاس را افتتاح می‌کند و هم در مشارکت‌های لورنس گروسبرگ، سردبیر قدیمی مطالعات فرهنگی، تأمل می‌کند. سنجش وضعیت رفاه مطالعات فرهنگی، در این زمینه، با تأمل مختصر در تحولات ژورنال طی ۲۸ سال گذشته، آغاز می شود. در اینجا ادعا می‌شودکه مطالعات فرهنگی نسبت به گذشته در تفکر اصول اولیه وقت و توجه کمتری را صرف می‌کند و بنابراین آینده این رشته تا حدی به این پرسش بستگی دارد که، آیا مفاهیم اصلی وظیفه پاسخگویی به سوألات سیاسی فوری زمان ما را دارند یا خیر؟ در این مقاله، مفهوم فرهنگ، به ویژه با توجه به سنت "فرهنگ والا" بسیار بدخیم (در واقع، به طور شایسته ای بدخواهانه) تجدید ساختار می‌شود. نویسنده عقب نشینی خود را از یک خط نظری زودگذرمشخص می‌کند که در آن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

فرهنگ نشان دهنده مراقبت است، در مقابل تبعیت ازمنافع اشرافی و سبک‌های زیبایی شناسی است. این حرکت مفهومی زمینه ای را برای بحث اصلی مقاله فراهم می‌کند، یعنی اینکه مطالعات فرهنگی برای مطابقت با نام و جاه طلبی های فکری-سیاسی خود، باید زمان قابل توجهی را به مراقبت از زیرساخت هایی که مجموعه ایده های آن را حفظ می‌کند اختصاص دهد (گروسبرگ، ۲۰۱۴).

ریچارد هوگارت: (۲۰۱٤ مرگ-۱۹۱۸تولد)

زندگی نامه:

۱۹۱۸: در خانواده ای از طبقه کارگر در لیدز انگلستان متولد شد.

۱۹۲۶: والدین خود را از دست داد و همراه با مادر بزرگش شروع به زندگی کرد.

۱۹۳۶: بورس تحصیلی دانشگاه لیدز (**Leeds University**) را در رشته ادبیات انگلیسی کسب کرد.

۱۹۴۵-۱۹۳۶: در دانشگاه لیدز ادامه تحصیل داد و برای سربازی در جنگ جهانی دوم به ارتش پیوست.

۱۹۴۶: در دانشگاه هال انگلستان (**University of Hull**) به تدریس ادبیات انگلیسی در کلاس‌های آموزش بزرگسالان مشغول شد (رضایی، ۱۳۸۶:۳۵۶).

۱۹۵۷: کتاب کاربردهای سواد (**The Uses of Literacy**) را منتشر می‌کند. این کتاب نوعی گردآوری اسناد و مصداق های فرهنگ طبقه کارگر پیش از جنگ و تحلیل آن هاست. چنین خوانندگانی را مخاطب قرار می‌دهد. کتابی که هوگارت را عملاً به مرجع عمومی در زمینه فرهنگ عامه و رسانه‌ها تبدیل کرد (بهروش، ۱۳۸۷)

۱۹۶۰: در جلسه محاکمه ناشران رمان «معشوق خانم چترلی» به دفاع از متهمین می پردازد.

۱۹۶۲: به دانشگاه بیرمنگام منتقل می‌شود.

۱۹۶۴: مرکز مطالعات فرهنگی معاصر را تأسیس می‌کند **(Centre for Contemporary Cultural Studies)**

۱۹۶۸: همکاری خود را با استوارت هال در مرکز مطالعات فرهنگی شروع می‌کند.

۱۹۶۹: دانشگاه را ترک کرده و معاونت مدیر کل سازمان یونسکو را به عهده می‌گیرد.

۱۹۷۵: از یونسکو استعفا می‌دهد.

۱۹۷۸: نوشتن کتابی انتقادی درباره یونسکو به نام «ایده‌ایی و مروجانش» (**An Idea and It Servants**)

۱۹۸۴-۱۹۷۸:ریاست کالج گلداشمیت (**Goldsmiths College**) را به عهده می‌گیرد.

۲۰۱۴-۱۹۸۴: به کارش در دانشگاه پایان می دهد و نوشتن آثارش را ادامه می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۶:۳۵۷).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

هوگارت و مطالعات فرهنگی:

هوگارت، تحلیل گر و مورخ انگلیسی فرهنگ طبقه کارگر، آموزش و رسانه‌های همگانی ؛یکی از تأثیرگذارترین شخصیت ها در شکل گیری و بسط مطالعات فرهنگی در بریتانیاست (بهروش، ۱۳۸۷).

اهمیت هوگارت به دلیل مطرح کردن سوالات جدید درباره رابطه سواد و رسانه های مدرن است.

مکتب بیرمنگام:

«تأسیس مرکز مطالعات فرهنگی معاصر» که در واقع پایه گذاری یک نوع اندیشه جدید بود، توانست شرایط را برای شکل گیری «مکتب بیرمنگام» فراهم کند و در تقابل با نوعی از تفکرات بود که در آن زمان در مکتب فرانکفورت وجود داشت. برخلاف مکتب فرانکفورت، که به فرهنگ عامه نگاه از «بالا» به «پایین» داشته است، در مطالعات فرهنگی بریتانیا اعتقاد بر این است که باید بتوان کارگران و سلائق آنها در زمینه مصارف فرهنگی را به همان صورتی که وجود دارد شناخت و بررسی کرد.

در واقع مکتب بیرمنگام بر این موضوع تأکید داشت که، باید فرهنگ مردم و یا «فرهنگ عامه» را به عنوان یک موضوع، مورد بررسی قرار داد و نباید با بی ارزش کردن آن به برخورد با آن پرداخت.

آنچه هوگارت در مرکز مطالعات فرهنگی معاصر برآن تأکید داشت تلاش برای شناخت و بررسی این فرهنگ است (رضایی، ۱۳۸۶).

موضوعات مهم:

یکی از موضوعات اساسی هوگارت در آثارش ارتباط میان هنر و جامعه بوده است.

مفهوم هنر: در نظریات او بیشتر بر موضوع امکان گفتگو و روابط میان افراد و ایجاد فرهنگ انسانیت مشترک تأکید دارد. برای رسیدن به چنین وضعیتی است که هوگارت آموزش را امری می‌داند که از طریق آن افراد تشویق به زندگی کامل تر و درک رابطه با دیگران می‌شوند. (پورنگ، ۸۴:۱۳۸۳)

آگاهی انتقادی:

سواد نقادانه: داشتن سواد انتقادی یا در واقع یک نوع آگاهی انتقادی به این معناست که مردم بیاموزند چگونه ذهن دقیق و نکته سنجی داشته باشند و از نزدیک به جامعه نگاه کنند و درباره آن سوالاتی مطرح کنند (محمد رضایی، همان، ص۳۵۳).

هوگارت خود را مدافع ترویج حساسیت و آگاهی انتقادی از طریق آموزش جهت مقاومت مردم در برابر اغواگری‌های دخل و تصرف کنندگان در ارتباطات توده‌ای می‌داند. به گفته ی او، هدف آموزش باید انتقال فرهنگ باشد، اما نه به معنای محدود آن که کسب آداب و رسوم خاص است، بلکه به معنای «رشد تخیلی مسئول و پاسخگو» (جانسون، ۲۰۷:۱۳۷۸). راه حل هوگارت، گریز از مدرنیته ی پیشرفته و بازگشت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

به عصر نوستالژیک سنت‌های طبقاتی است؛ عصری که بزرگترها بر گروه همالان و نفوذهای رسانه ای، غلبه و برتری داشتند (مهدی زاده، ۱۳۹۲).

ریچارد هوگارت یکی از چهره های مطرح و پیشرو در رشتهٔ «مطالعات فرهنگی»است. او در آثار خود به موضوعاتی مثل فرهنگ عامه، رسانه‌های همگانی، ادبیات، فرهنگ طبقه کارگر، و بسیاری دیگر از موضوعات پرداخته است. بسیاری از آثار او مانند «زندگی‌نامه‌های خودنوشت» تجربه‌های شخصی او را در زندگی بیان می‌کند. چون او در یک خانواده متعلق به طبقه کارگر متولد شده و بالیده بود همواره از تجربه‌های خود در آثارش استفاده می‌کرد. به همین دلیل، آثار وی رنگ تجربه‌های زندگی‌اش را دارد. او وجوه مختلف این تجربه را به شکل‌های متنوع در آثارش بررسی کرده است(رضایی، ۱۳۸۶).

آثار:

نزدیک به ۲۵ اثر از هوگارت منتشر شده است که هیچ کدام از آنها به فارسی ترجمه نشده است.

Hoggart, R (1957),The Uses of Literacy, London: Chatto & Windus .

کاربردهای سواد

کاربردهای سواد[۱] (۱۹۵۷) مهم ترین و مشهورترین کتاب ریچارد هوگارت است. هوگارت این اثر را، در سال ۱۹۵۷، پس از شروع کارش در دانشگاه‌هال، و همچنین تدریس در کلاس‌های سوادآموزی بزرگسالان نوشته است. این کتاب در شکل‌گیری رشتهٔ«مطالعات فرهنگی» تأثیرگذار بوده است. مباحث اصلی این کتاب از تجربه‌های شخصی و چالش‌های او در زندگی خانوادگی‌اش شکل گرفته است، اندیشه‌های هوگارت تحت تأثیر زندگی او در خانواده‌ای بوده که به طبقه کارگر تعلق داشته است.

این کتاب شامل دو بخش کلی است:

بخش یکم: این بخش شامل مطالبی دربارهٔ تفسیر زندگی طبقه کارگر و فرهنگ آنان و زمینه‌هایی است برای مباحث اصلی کتاب (رضایی، ۱۳۸۶).

بخش دوم: این بخش بدنهٔ اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. باید یادآور شد که هوگارت نخست این بخش از کتاب را نوشته است، و پس آن، بخش نخست را بدان افزوده است. موضوع اصلی این بخش ارتباط طبقه کارگر با رسانه، فرهنگ و ادبیات است.

در واقع، هوگارت کوشیده است تغییراتی را که در جامعه در حال شکل‌گیری بوده است در این کتاب گزارش و بررسی کند.

همانطور که خود هوگارت هم عنوان می‌کند: «در ابتدا هدف از این کتاب ارائه دستورالعملی برای معلمان در زمینه آموزش بزرگسالان بود» (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۵۵). سپس، وی این ایده را گسترش می‌دهد و موضوعات دیگر را نیز مطرح می‌کند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

هوگارت در کتاب کاربردهای سواد(۳) رشد فزاینده ی افراد باسواد و ثروتمند در انگلستان در دهه‌ی ۱۹۳۰ را علت فقدان احساس تعلق به گذشته می‌داند. وی می‌گوید اگر هنوز بعضی از گروه های جوان بعضی از آوازهای پدربزرگ ها و مادربزرگ‌ها را می خوانند، به این خاطر است که این آوازها را مستقیماً از آن‌ها آموخته اند و برای آموزش و یادگیری این آوازها تلاشی نکرده اند.

او علت این وضعیت را غیرطبقاتی شدنِ فرهنگ می داند؛ چنان که اذعان می‌دارد طبقه ی کارگر همگام با گروه‌های بسیار مرفه، به لحاظ فرهنگی بی طبقه شده است؛ زیرا رسانه‌های جمعی همانند اشعار و آوازهای عامه پسند، قادر به مرزبندی طبقاتیِ مخاطبان نیستند. رسانه‌های جمعی، به معنای واقعی کلمه، وسایل پخش عمومی هستند.

کاربردهای سواد اَشکال احساسی، جعلی و سطحی سرگرمی‌های جمعی را زیر سؤال می برد. وی بعداً (۲۰۰۴) مضامینِ مربوط به رسانه‌های جمعی را به توده یعنی جامعه ی به لحاظ فرهنگی محروم و فاقد حس تعلق و هویت، تعمیم داد. راه حل پیشنهادی او چنین است: وسایل پخش باید در سطح محلی باشد و مردم در اداره و تأمین محتوای آن مشارکت داشته باشند(مهدی زاده، ۱۳۹۲)

به نظرهوگارت رسانه های چاپی جدید به فرهنگ قدیم طبقه کارگر صدمه وارد کرده است. هوگارت نیز مانند لیویس قائل به نظریه انحطاط فرهنگی بود اما از دید هوگارت فرهنگ طبقه کارگر بود که باید (به جای مرثیه خوانی برای آن) تمجید می شد نه فرهنگ اقلیت تیز هوش (میلنر و جف،:۱۳۸۵:۶۶).

نظراتی درباره کاربردهای سواد:

«اثر کلاسیک و مهم هوگارت جایگاه ثابتی در بین کتاب‌های برتر قرن بیستم دارد. او در این کتاب تصویری دقیق از زندگی شهری طبقه کارگر بریتانیا در سالهای سردرگمی پس از جنگ جهانی دوم ارائه می‌دهد» (TheGuardian,2014).

«با وجود عنوان کتاب که کاربردهای سواد است هوگارت کمتر به وضوح به موضوع سواد می پردازد اما این موضوع را مطرح می‌کند که سواد و ضعیف تر شدن آن در افراد جامعه از تأثیرات نشریات و داستان‌های عامه پسند است» (**Nante, 2007**).

Hoggart,R. , (1995),The Way We Live Now, London: Chatto & Windus.

«شیوه زیستن کنونی ما»

بعد از کتاب کاربردهای سواد، کتاب شیوه زیستن کنونی ما[۳] (۱۹۹۵) یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین کتاب های هوگارت همین کتاب است. در این اثر نویسنده سعی می‌کند به درک جدیدی از زندگی بشر در آغاز قرن بیستم برسد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

با توجه به سال انتشار این اثر، می‌توان این کتاب را در زمرهٔ آثاری قرار داد که شامل نقد مسائل جامعهٔ انگلستان در شروع دورهٔ «تاچریسم» می‌شود. آموزش، هنر، برنامه‌سازی در رسانه‌های همگانی مانند رادیو و تلویزیون، تغییراتی که در زبان و به طور کلی در فرهنگ به وجود آمده، به‌خصوص نحوهٔ برخورد با طبقات، معنای «انگلیسی بودن»، و جایگاه روشنفکران در زندگی انگلیسی‌ها ازجمله مباحثی است که هوگارت در این کتاب دنبال می‌کند. در واقع، همه این موضوعات هم‌زمان با موجی از جنبش‌های آزادی‌خواهانه در قرن بیستم، رفته‌رفته در کتاب روشن‌تر می‌شود و در کنار هم قرار می‌گیرند (رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R. , (1999), First & Last Things, London: Aurum press.

«اولین و آخرین چیزها»

هوگارت در اولین و آخرین چیزها[۴] (۱۹۹۹) سعی می‌کند در این کتاب که نوعی زندگی نامه خودنوشت اوست، سوالات مهمی درباره جامعه و طبقات، درعصر سرمایه داری مطرح کند.

سعی می‌کند پرسش‌هایی حساس مطرح کند، بدون آنکه مدعی دانستن پاسخ دقیق و کامل این پرسش‌ها باشد. این پرسش‌ها دربارهٔ این موضوعات‌اند: مشکل ایمان و اعتقاد، طبیعت جامعه و طبقات اجتماعی در سال‌های اوج سرمایه‌داری، اهمیت خانواده و دوستان، ارزش و اهمیت ادبیات(رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R (2001), Between Tow Worlds, London: Aurum Press.

«در میان دو جهان»

کتاب در میان دو جهان [۶] (۲۰۰۱) مجموعهٔ مقالاتی است که در آن هوگارت به موضوعات مهمی همچون فرهنگ در جامعه، اهمیت ادبیات و آموزش و ارتباط آن با زندگی روزمره می‌پردازد (رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R (2003), Everyday Life & Everyday Language, New Jersey: Trasaction Publishers.

«زندگی روزمره و زبان روزمره»

کتاب زندگی روزمره و زبان روزمره[۵] (۲۰۰۳) در ۱۸۱ صفحه نگاشته شده است. او در این کتاب سوالات مشخصی را دنبال می‌کند:

- تا چه اندازه طبقات اجتماعی مختلف در انگلستان زبان گفتاری مشترکی دارند؟
- و اگر تفاوتی وجود دارد این تفاوت ناشی از چیست؟ موقعیت، شغل، سن و یا طبقه اجتماعی؟

او به شناسایی شیوهٔ گفتار و نکات و اختلافات ظریفی روی می‌آورد که در نحوهٔ گفتار طبقه کارگر انگلستان وجود دارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

، موضوع در اینجا تفاوت‌هایی است که این طبقه با آنها شناخته می‌شوند. عنوان بخش‌هایی از کتاب عبارت‌اند از

-«مشخصه‌ها و ویژگی‌های زبان»؛

-«طبقات و گروه‌ها»؛

-«فقر و زبانش»؛

-«کنار آمدن با فقر» (رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R (2004), Mass Media in A Mass Society,A & C Black.

«رسانه‌های همگانی در جامعه توده ایی»

در این کتاب با در نظر گرفتن جنبه هایی از زندگی امروزی این تناقض بررسی می‌شود که آیا در دسترس بودن راحت تر اطلاعات لزوما باعث فهم بهتری از دنیا می شود.

نویسنده در این کتاب به راه‌هایی که رسانه‌های همگانی از طریق آنها، در قرن بیست و یکم، مخاطب را از سویی به سمت فهم بیشتری از زندگی مدرن سوق می‌دهند، و از سویی دیگر، او را از این کار بازمی‌دارند. در واقع، او این تناقض را بررسی می‌کند که دسترسی آسان به انواع مختلف و متنوعی از اطلاعات لزوماً نمی‌تواند به معنای رسیدن به درک بهتری از جهان اطراف باشد.

این حجم اطلاعات فقط در شرایطی می‌توانند منجر به دانش شوند و مفید باشند که بتوان به آنها نظم داد و آنها را تبدیل به سرمایه کرد. تأکید اصلی این کتاب بر برنامه‌سازی در رادیو و تلویزیون، و حجم اطلاعات برآمده از آنهاست. او با انتقاد از سیاست‌هایی که تنها هدف برنامه‌سازی را سرگرمی می‌داند بحث خود را در این کتاب پی می‌گیرد. (رضایی، ۱۳۸۶).

هوگارت، کارکرد رسانه‌های جمعی را دخل و تصرف در فرهنگ اصیل و رواج فرهنگی مصنوعی، بی‌رنگ و رو و پیش پا افتاده می‌داند.

فرهنگ برآمده از رسانه های جمعی، فرهنگ توده وار است که سیراب کننده ی روح نیست، بلکه تجارت زده و انتزاعی است (مهدی زاده، ۱۳۹۲).

لزلی جانسون با اشاره به آراء هوگارت در نقد فراورده‌های رسانه‌های جمعی می‌نویسد: «اغلب سرگرمی‌هایی که رسانه‌ها برای توده ی مردم تدارک می‌بینند، «ضد زندگی»، پر از زرق و برق، دارای جاذبه‌های سوء و فاقد مسئولیت‌های اخلاقی هستند. سرگرمی‌ها مبلّغ این نظرند که پیشرفت یعنی به دنبال مالکیت‌های مادی رفتن، برابری یعنی یکسان بودن ارزش‌های اخلاقی و آزادی یعنی زمینه‌ای برای ارزش‌های بی قید و بی پایان» (مهدی زاده، ۱۳۹۲).

Hoggart, R (2005), Promises to Keep: Thoughts in Old Ages, London: Bloomsbery Publishing.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

«عهدهایی برای به یاد سپردن»

کتاب عهدهایی برای به یاد سپردن[۷] در سال ۲۰۰۵، زمانی که هوگارت ۸۶ ساله بود منتشر شد. او در این کتاب با بازگشت به گذشته و نگاه دوباره به آن، ویژگی‌های انسانی‌ای را، که بیش از همه برای او معنا داشته است، یادآور می‌شود. او، مثل گذشته، به موضوع «استفاده از زبان» و «ادبیات» می‌پردازد. و همچنین موضوعاتی دیگری مثل کارکردهای خاطرات، اهداف آموزش، محبت، و خیرخواهی را نیز بررسی می‌کند. در ادامه، او وقایع و عقاید عمومی را که مورد علاقه‌اش بود و ارتباط آنها با زندگی شخصی و خانوادگی‌اش را توضیح می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۶).

نتیجه گیری:

هوگارت بر خلاف سنت‌های اهل ادب، احساس همدلی و وحدت بیش تری با مردم و توده‌ها دارد و دغدغه بین فرد و جامعه را هم داشت.

هوگارت برخلاف روشنفکران اهل ادب تصورنمی کرد هنرها ضرورتا به کرداری بهتر درجامعه منجرشوند بلکه معتقد بود آثار هنری و ادبی، فقط تخیل انسان ها را تقویت می کند که می‌تواند نیکوتر و بهتر باشد.

مسئله اساسی هنرمندان زمان خود را: فاصله آنان با مردم می دانست واعتقاد داشت این فاصله دوری است.

به اعتقاد هوگارت اهمیت هنر در عامل تمدن سازی برای فرد و جامعه است و افزایش استعداد و آگاهی اخلاق انسان درجامعه اهمیت اساسی دارد. هدف نهایی آموزش، تشویق افراد به کسب زندگی کامل تر وتصمیم گیری مستقل تر است. هوگارت فرهنگ توده را به تمامی محکوم نمی کند و پیشنهادش این است که صحبت در باب فرهنگ توده را متوقف کنیم و به آن مانند فرهنگ ترکیبی یا فرهنگ تدارک دیده شده نگاه کنیم (میلنر، براویت، ۱۳۸۵).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]

فهرست منابع و مآخذ

ـ میلنر، اندرو؛ براویت، جف، (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران، نشر ققنوس.

ـ رضایی، محمد، (۱۳۸۶)، مطالعات فرهنگی: دیدگاه ها و مناقشات، تهران: جهاد دانشگاهی .

ـ پورنگ، حمید، (۱۳۸۳)، «منتقدان فرهنگ:روشنفکران اهل ادب»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۹، ص۸۴-۸۱

ـ مهدی زاده، سید محمد، (۱۳۹۲)، «ریچارد هوگارت: فرهنگ توده وار»، دسترسی اسفند ۹۹

https://rasekhoon. net article/show/726268

ـ بهروش، میثم، (۱۳۸۷)، « آشنایی با زندگینامه و آراءریچارد هوگارت ۱۹۱۸، دسترسی اسفند ۹۹

https://www.hamshahrionline.ir/news/51092 ،

__ Bailey, M. , “Richard Hoggart: Cultural Critic and Educationalist”, 2014, Open Democracy, https://www.opendemocracy.net/ourkingdom/michael-bailey/richard-hoggart-cultural-critic-and-educationalist-24-september-1918-10-ap, دسترسی اسفند ۱۳۹۹

__ Ezard, J. , “Richard Hoggart obituary”, 2014, The Guardian, http:// www.theguardian.com/ books/2014/apr/10/richard-hoggart, دسترسی مهر ۱۳۹۳

__ Grossberg, L. , (2014), “A Special Editorial”, Cultural Studies, 29(2), 105-7. https://www.tandfonline.com/doi/full/10. 1080/09502386. 2014. 988919دسترسی اسفند ۱۳۹۹

__ Hilliard, Ch. , (2014), “Whose Candyfloss”, London Review of Books, 36(8), 35-37, https://www.lrb.co.uk/the-paper/v36/n08/christopher-hilliard/whose- candyfloss,دسترسی اسفند ۱۳۹۹

__ Hodgson, J, “Richard Hoggart, Review”, 2007, National Association for The Teaching English, http://www. nate. org. uk/, دسترسی آبان ۱۳۹۳

__ McGrath, J, “Richard Hoggart’s legacy and New Uses of Literacy”, 2014, Roman & Littlefield, http://www.rowmaninternational. com/news/ richard-hoggarts-legacy-and-the-new-uses-of-literacy , دسترسی اسفند۱۳۹۹

__ Simkin, J. , “Richard Hoggart”, 2014, http://spartacus-educational.com/ HIShoggart. htm , دسترسی اسفند۱۳۹۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-22]